

تاریخ بی‌خردی در قاب تصویر



◀ حسن کریم‌زاده

جنگ؛ تصویر حیوانی‌ترین خصلت پنهان آدمی است.مهم خشونتی است که در پی تنفر یک انسان از انسان دیگر بروز پیدا می‌کند؛ از هابیل و قابیل گرفته تا امروز. گویی «جنگ» همواره انسان را از نخستین روزهای حضورش در زمین تا آخرین مهلتش برای این حضور، چون یک کلبوس رها نخواهد کرد؛ کلبوسی خودخواسته که گهگاه به دست خود او به واقعیت تبدیل می‌شود؛ واقعیتی که طی قرن‌های متمادی هیچ‌گاه از آن عبرت نگرفته و نخواهد گرفت.

پدیده مخرب اغلب «جنگ»ها غالباً با توجیه‌های دهان‌پر کن و انسان‌دوستانه سیاستمدارانی به وقوع می‌پیوندد که شب‌هنگام، در خلوت خود به چیزی جز تجاوز، چپاول و اعمال عقاید نمی‌اندیشند. گویی فرکانس ضجه‌های زنان و کودکان بی‌گناه و قربانیان جنگ، چنان بالاست که از قدرت شنوایی آنها خارج است.

همه ما اخبار روز را دنبال می‌کنیم؛ از پیش‌رویی‌ها و پس‌روی‌ها آگاه می‌شویم، آمار کشته‌های نظامی و غیرنظامی را می‌شنویم، اما گاهی اوقات فراموش می‌کنیم «کشته» یعنی مردن یک انسان به دست انسانی دیگر.

اگر به تخریب‌های جسمانی و ظاهری «جنگ»، که از نسل‌های تنومند و شاداب هر جامعه‌ای جز لاشه‌های متلاشی‌گوش، چیز دیگری باقی نمی‌گذارد، فجایع روانی – در قالب استرس‌های شکننده قیل و افسردگی‌های کشنده بعد از جنگ – را اضافه کنیم، دیگر «فناختار»ی که بانیان «جنگ»، سینه ستبر کرده و از آن به عنوان تنها یادگار سیاست‌های تجاوزگرانه‌شان یاد می‌کنند، معنایی جز عوام‌فریبی ندارد.

زمانی که به جبهه مقابل به چشم هموعی بگردیم که ملعبه اراده بیمارگونه سیاستمدارانش شده است، دیگر هیچ‌گاه صحنه نبرد را با واژه‌هایی نظیر «پیروزی» و «شکست» ترک نخواهیم کرد چرا که حقیقتاً شکست یک انسان، پیروزی انسانی دیگر نخواهد بود. گور ویدال^۱ – با زیرکی تمام – این مفهوم را چنین طرح می‌کند که در جنگ «پیروز شدن شما کافی نیست، شکست دیگران هم لازم است».

«جنگ» شاید تنها تجربه تلخ و دهشتناکی است که جوامع، در یک مقطع زمانی آن را به سختی پشت سر می‌گذارند اما زمانی دیگر، با آغوش باز به آن دامن می‌زنند؛ گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است.

باید در ذهن‌مان حک کنیم که تلخ‌ترین این

کار بی‌حاصل خشونت

بازخوانی آثار بوسک، طراح همیشه



◀ صالح تسییچی

بوسک (یا بوسکاو) طراحی آشناست و برای مخاطبان نشریات مختلف اروپایی طراحی شناخته‌شده است. پیش از اینها هم درباره نکات تکنیکی کار او، خطوط ساده‌اش و ایجازی که در کارش هست در نشریات مختلف سخن رفته است. اما آن نکته‌ای که بعضی آثار او را از خاصیت گذرا و تاریخ مصرف‌داری که کارتون‌های مطبوعاتی به آن دچارند فراتر برده، توجه خاصی به امور عمیق انسانی است. عموماً او را در قالب عنوان شکننده «ضدجنگ» محدود می‌کنند اما با دقتی بیشتری می‌توان دریافت این جنگ به معنای ارتش و دفاع نیست. روح نظامی‌گری است که مورد نقد اوست. می‌توان در آثار او به جست‌وجوی اموری نشست که تا دنیا دنیاست تازه و فهمیدنی و تذکردهنده‌اند اگر گوش شنوایی باشد. هنگام تماشای آثار بوسک در ادامه آن جست‌وجو با نفرت شدیدی روبه‌رو می‌شوی که طراح از خشونت و حواشی آن دارد. خشونت را نه به عنوان امری ظاهری که باید روح باطنی جنگاوران، ترافیک شهری و مولفه‌های آشنایی دانست که همه ما همواره با آنها درگیریم. با شوخی کردن و بازی‌های طنزانه می‌شود کمی از بار خشونت این جهان کاست. اما آثار او تنها شوخی‌های بصری نیستند. در آثار بوسک (و همین‌ها که مال ۲۰۰۰ سال پیش‌اند و هنوز همچنان تازه) جنگ امری همیشگی است.

جنگ در آثار بوسک در جهت عکس نظریه مرسوم کنونی در دنیا حرکت می‌کند که بنابر آن «جنگ ادامه سیاست کشورهاست با ابزار دیگری». (کلازویتس و نظریه جنگ/رامین جهانگیرلو، نشر هرمس، همچنین به نظریات ساموئل هانتینگتون رجوع شود). در آثار بوسک به خوبی می‌توان یابی را حس کرد که در تکرار مکررات نظامی‌گری و بی‌حاصلی این نظم تکرارشونده وجود دارد. شاید بتوان طرچی از بوسک را با این دید تفسیر کرد که باران حوادث بر سر آدم که فرو می‌ریزد، پناه بردن به متن جامعه‌ای که امنیت ندارد (نسقف ندارد) بی‌فایده است هرچند آن جامعه ریشه‌هایی کهن داشته باشد و ستون‌های باستانی‌اش از دل روانشناسی مردم سر به آسمان بگذارد. در رمزگشایی آثار بوسک می‌توان بینی بزرگ را ناشی از بلاغت دانست و این نکته را در نظر گرفت که انگار آدم‌ها در زندگی روزمره خود تلاهت را بر خرد ترجیح می‌دهند و از عقل خود نه برای ساختن دنیایی بهتر، که برای حفظ راحتی روزمره

سال پنجم ■ شماره ۱۰۶۱ ■ سه‌شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۹ ■ **گارتون‌لند ۱۵**



جافی تدین

◀ «بوسک»

راوی مصیبت‌های بشر

تاثیر «ژان موریس بوسک»^۱ کارتونیست فرانسوی بر کارتون فرانسه، بدون تردید کمتر از تاثیر او بر هنر کارتون جهان نیست. علاوه بر زیبایی و صلابت خطوط، «بوسک» دارای تفکر خاصی است که شخصیت هنری وی را از بقیه هنرمندان صاحب نام این رشته متمایز می‌کند. پرسه در دنیای پر از تزویر و پوچ با آن همه بدقابلی‌ای که گریبان بشر امروز را گرفته بر بیشتر آثار بوسک سایه انداخته است. بیننده پس از قرار گرفتن در فضای آثار بوسک با پرسوزنهایی آشنا می‌شود که معمولاً راهی برای خلاصی خود از مخصصه‌ای که در آن دچار شده‌اند، نمی‌یابند و بر این اساس به افعالی دست می‌زنند که بیننده را بی‌اختیار به یاد موقعیت تراژیک دلقکی می‌اندازد که برای شادی تماشاچیان کارش به خودآزاری رسیده است. تفسیر خلاقانه از شرایط به گونه‌ای است که بی‌تفاوتی انسان‌ها از سرنوشت بقیه انسان‌ها در مرکز توجه «بوسک» قرار می‌گیرد و این سوال اساسی را پیش‌پای مخاطب قرار می‌دهد که از چه رو آدم‌ها با دیدن مصیبت‌های یکدیگر غالباً چشم‌های خود را می‌بندند. شرایطی که «بوسک» خلق می‌کند نه فردی است و نه آنکه به فرهنگ خاصی تعلق دارد. این درد مشترک چنان است که گویا از همان آغاز خلقت بر سرنوشت انسان سایه انداخته است و اصولاً قرار نیست جور دیگری باشد. و البته طنز ماجرا زمانی رخ می‌دهد که همین انسان پرمدها، از روی تظاهر می‌کوشد حقیقت را پنهان کند. کارتون «گردش در پارک» شاید جزء بهترین آثار «بوسک» برای بیان این موقعیت خاص است. در این کارتون بیننده پارک زیبایی را مشاهده می‌کند که شادی و نشاط در آن موج می‌زند. شاخه‌های درختان همچون بادکنک‌های در حال پرواز تا بی‌نهایت برافراشته شده‌اند و آدم‌ها هر یک دست در دست یکدیگر چون زوج‌های خوشبخت در حال قدم زدن هستند و درست در این فضای فرحبخش مردی در مقابل دیدگان همه در حال آماده کردن تشریفات اعدام خود است. چهره‌های بی‌تفاوت رهگذران احتیاج به توضیح ندارد، همه چیز عادی است تا جایی که دیدن چنین موقعیتی نیز ذره‌ای از بار خوشبختی آنان نمی‌کاهد.

او خود می‌گوید اولین بار با دیدن کارهای «موز»^۲ دیگر کارتونیست فرانسوی به کشیدن کارتون علاقه‌مند شده است. بسیاری از منتقدان هنری «موز» را بنیانگذار کارتون‌های مدرن فرانسه به حساب می‌آورند. در ۱۹۵۲ «بوسک» کتابی شامل کارتون‌های «موز» را می‌بندد و سپس تمام تابستان همان سال را به طور پنهانی به طراحی می‌گذراند. کارتون‌های بی‌شماری در این مدت کوتاه آماده می‌کند، لیکن در پایان به شکل بی‌رحمانه‌ای حدود ۲۰۰ طرح آماده‌شده را می‌سوزاند و تنها ۴۹ طرح باقیمانده را برای عرضه به پاریس می‌برد. نکته حائز اهمیت در زندگی هنری او این است که «بوسک» هرگز پا به مدرسه هنر نگذاشته و با این وصف می‌بینیم طراحی‌های زیبای او نشان از نبوغی خارق‌العاده دارد. «بوسک» در ارائه ایده‌های ناب چنان با سرعت پیش می‌رود که خیلی زود خود را در جمع بهترین کارتونیست‌های فرانسه جای می‌دهد. یکی از ستون‌نویس‌های همکار و نزدیک به «بوسک» درباره شیوه طراحی وی گفته است: «به نظرم او بیشتر با «پاک‌کن» کار می‌کرد تا «مداد». او مدام در حال پاک کردن همه چیزهای زائد بود تا نهایتاً همان سبکی را ارائه دهد که به آن تعلق دارد.»

درباره آثار «بوسک» بهتر است به طور خلاصه بگویم او ابداع‌گری است که شما را با کمی بلندنظری از تماشای دیدن آثار سایر کارتونیست‌های دنیا بی‌نیاز می‌کند. اگر باور ندارید به کارتون «ژیمناست اعدامی» نگاه کنید؛ محکومی که روی چوبه دار پیروزمندان در حال انجام عملیات آکروباتیکی است.



بی‌نوشت‌ها:

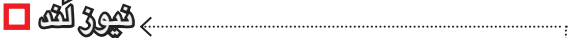
1-Jean-Maurice Bosc

2-Mose

منابع.....

1-www.ecc-kruishoutem.be/bosc_ENG.htm

2-www.j-m-bosc.com



کاریکاتوریست برنده جایزه پولیتزر در گذشت

پل کنراد که بیش از نیم‌قرن با کاریکاتورهای خود سیاستمداران از هری ترومن رئیس‌جمهور پیشین آمریکا تا جرج دبلیو بوش را به سخره می‌گرفت، شنبه گذشته در ۸۶سالگی درگذشت. به گزارش خبرآنلاین، کنراد سه بار برنده جایزه معتبر پولیتزر در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۴ شد، اما شوخی‌هایش موجب شد نامش در فهرست سیاه ریچارد نیکسون نیز قرار بگیرد. دیوید کنراد پسر این هنرمند گفت او در خانهاش در رنچو بالوس واقع در منطقه حومه‌ای شهر لس‌آنجلس در کنار افراد خانواده‌اش درگذشت. کنراد



به مرگ طبیعی فوت کرده‌است. کنراد در جمع کاریکاتوریست‌های سیاسی زندگی می‌کرد و از بزرگان این رشته محسوب می‌شد. فعالیت سده‌های او در لس‌آنجلس تأیمر کمک کرد این روزنامه به شهرت جهانی برسد. تنها دو کاریکاتوریست دیگر در دوران پس از جنگ جهانی دوم موفق شده‌اند سه بار جایزه پولیتزر را به دست بیاورند. او که لیبرال بود در کشیدن کاریکاتورهایش سبکی بسیار گرنده و قدرتمند داشت. اغلب سیاستمداران جنوب کالیفرنیا چند دهه روزهایشان را با طراحی‌های تند و تیز کنراد آغاز می‌کردند. روزنامه تایمز در گزارش روز شنبه‌اش نوشت ناشراین روزنامه عادت کرده بود هر روز صبحانه‌اش با تماشای تلفنی ریگان یا نانسی، همسر او که از طراحی کنراد بسیار عصبانی شده بودند، نصفه و نیمه بماند. ریچارد نیکسون موضوع مورد علاقه کنراد بود. در زمان استعفای این رئیس‌جمهور، کنراد در کاریکاتورش نیکسون را سوار بر هلیکوپتری در حال ترک کاخ سفید کشید و زیرش نوشت: «دیوانه از قفس پریدا!» دیوید کنراد در مورد پدرش گفت: «پدرم همیشه از اینکه در فهرست دشمنان نیکسون باشد راضی بود.» کنراد در مصاحبه با آسوشیتدپرس در سال ۲۰۰۰ نیکسون را با جرج دبلیو بوشی مقایسه کرد که در آن زمان رئیس‌جمهور بود. «به نیکسون دو حس داشتم! اول اینکه چطور احمقی مثل او رئیس‌جمهور شده و دوم اینکه کی از شرش خلاص می‌شویم. تقریباً همین حس را به بوش دارم.»

کنراد در یکی از آخرین کاریکاتورهایش بوش را به شکل سزیزف طراحی کرد. بوش در حال بالا بردن یک سنگ بزرگ از یک تپه بود، روی سنگ نوشته شده بود: «عراق». پل کنراد و جیمز برادر دوقلوش در سال ۱۹۲۴ در سداریپرز در ایالت آیووا متولد شدند. کنراد بعدها به شوخی به روزنامه تایمز گفت اولین کاریکاتور سیاسی‌اش را روی دیوار مدرسه دوران ابتدایی‌اش کشید. او پس از خدمت سربازی در جنگ جهانی دوم از دانشگاه آیوا در رشته هنر فارغ‌التحصیل شد. در این زمان یک دوست خانوادگی او را به کشیدن کاریکاتور برای روزنامه همین دانشگاه ترغیب کرد. پس از کالج، او در روزنامه دنوریست مشغول شد و ۴ سال را در آنجا سپری کرد و سپس به لس‌آنجلس رفت. طراحی‌های کنراد ساده بودند. همیشه طرحی ساده با مداد و اغلب تنها یک نفر در طرح‌هایش دیده می‌شد. او به ندرت از دیالوگ یا کلام در طرح‌هایش استفاده می‌کرد. با وجود طنزی که در کاریکاتورهای کنراد وجود دارد آثارش اغلب جدیتی دارند که دیگر کاریکاتورها فاقد آن هستند.



پی‌نوشت:.....
۱- نویسنده آمریکایی
- برای نگارش این متن از نوشته‌های دیگرم در نشریات مهر (۱۳۷۷)، همشهری (۱۳۸۱) و گل‌آقا (۱۳۸۴) نیز بهره بردم.

پیچیدگی‌های خلقتش محور قرار دهیم، حول این محور دنیایی از خاطره‌ها، احساسات، متعلقات و ارتباطات وجود دارد که به واسطه یک گلوله یا ترکش، خط بطلانی بر تمامی آنها کشیده می‌شود.

